

خاطرات يك دلال از شغل شريفش



داداش، اين ماشين رو صفر تحويل دادين. ولي چرا داخلش اين قدر پوست تخمه و آجيله؟

ممکنه يه کم آجيل باهاش برده باشن واسه آزمون مقاومت خودرو که ببينيم صدای تق تق تخمه شکستن باعث از هم پاشيدن خودرو می شه يا نه!

رئيس اتحاديه خشکبار اعلام کرد قطعه سازان و واردکنندگان قطعه خودرو به کمک دلال، آجيل را با قيمت زياد از کف شهر جمع کردند و در خارج ارزان فروختند. پيش از اينکه پشت سرکسی حرف بزيم يا کسی را متهم کنيم، بهتر است دفتر خاطرات يك دلال را بخوانيم تا بدانيم اصل قضيه چيست و ديگر چه کارهايي انجام داده است.

صادر و وارد کردن ميوه

چهار هفته ديگر شب چله است. به همين مناسبت امروز يك جلسه با چند باغدار و توليدکننده بزرگ ميوه داشتم. می گفتند می خواهند برای اين شب کاری کنند تا مردم اصلاً احساس کمبود ميوه نداشته باشند. خدا خيرشان بدهد که اين قدر به فکر مردم هستند. قرار شد با همکاري هم، ميوه های با کيفيت برسيم توی بازار، انار و خرمالو و پرتقال و حتی هندوانه های توليدي شان را صادر کنم به يکی از کشورهای همسايه تا در سردخانه بماند که خراب نشود. بعد شب چله دوباره همان ها را وارد کنم تا بازار پر شود. حالا اين وسط ممکن است يك مقداری روی قيمتشان هم برود که خب چاره ای نيست.

صادرات نخود به جای واردات پيستون

امروز يکی از واردکنندگان قطعات خودرو تماس گرفت و پس از کلي احوال پرسي، گفت: نياز به دلار دارد. گفتم الان مبلغ زيادی در دست ندارم. گفت نه، يک فکر ديگر دارم. در نظر داشت تا شب عيد هر چه آجيل در بازار است، برایش بخرم تا بتواند آن ها را صادر کند و دلارش را به زخمش بزند. بين اوضاع چقدر تأسف بار شده است که يک کارآفرين خدمتگزار، برای گذران زندگي و پاس کردن چک های خريد پنت هاوس و ويلا و هزينه گرین کارت فرزندان و مخارج ديگرش، مجبور است در کار نخود و کشمش بيفتد.

پيش فروش لگن

مشغول چانه زدن با دزدان دريايي سومالی بودم تا اجازه ترخيص نفتکش های مشترى ام را بدهند که منشی گفت رئيس اتحاديه لگن فروشان تماس گرفته است. می گفت نياز به کمک دارد. منتظر بودم که دست به دامنم شود. گفتم نگران نباش، خودم حلش می کنم، فقط کافي است يک پيش فروش برای لگن هايش بگذارد تا مردم پيش خريد کنند و يک پول تيل به حسابش بيايد. بعد اسر فرصت خودم برایش قطعات لگن را وارد می کنم تا سر هم کند و بدهد به مردم. خبلى تشکر کرد و آدرس کيف پول ديجيتال را گرفت. آدم بايد هر کاری را که از دستش برمی آيد، برای مردم انجام دهد.

خبر خوش آن جريان

پسر آقای دکتر آمد دفتر. خبلى جا خوردم وقتی ديدمش. توقع هرکسی را داشتم به جز ايشان. گفت آقای دکتر سلام رسانده اند و گفته اند آن جريان را پيگيري کنم. خوشبختانه آن جريان در مسير درستي افتاده بود. گفتم خيالتان راحت، به زودی خبر خوبي خواهيم داد. گفت پس شيريني شما پيش آقای دکتر محفوظ است و رفت. آدم لذت می برد وقتی می بيند برخی مسئولان اين قدر به فکر امور مملکت هستند و حتى فرزندان خود را برای پيگيري مأمور می کنند.

صفحه ۴
۶ دی ۱۴۰۴
شماره ۱۶۰

معاشرت کنيد

مره مراسم های جديد به آشنایی با آدم های جديد است، مثلاً همين بابانوئل. کلاهش قرمز است، لبخند دارد و هديه می آورد؛ همين برای شکل گيري يک معاشرت خوب کافي است. تازه خارجی هم هست و کلاس دارد!

کار را تمام کنيد

کار را که کرد؟ آفرين. پس در تهيه ملزومات مراسم کريسمس کوتاهی نکنيد. کاج را حتما تهيه کنيد. کاج اگر طبيعي باشد، حس اصالت می دهد، اما اگر مصنوعی باشد، ناجور است. گوشه خانه تان را با طبيعت بياراييد، نه پلاستيک.

کپی بزنيد

اين پرسش که: «وقتی خودمان يلدا به اين خوبي داريم کريسمس را می خواهيم چکار؟» بی پاسخ رها کنيد. مهم اين است که خارجی و شاد است. پس کمی کاج بگيريد، چراغ رنگي به آن وصل کنيد و عکس هايشان را با هشتگ #کريسمس_مبارک استوري کنيد.

هر روزتان
کريسمس،
يلدايتان
پيروز!



فرهنگ شهروندی
فرزانه زميني